

عَمَّا إِلَهُ عَمَّا
وَحْدًا شَرِيف

قرآن و امام مہدی

محسن قرائتے

بہ کوشش محمدرضا فؤادیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
فصل اول: شباهت ها	۱۰
۱. هردو جهانی و جاودانند.....	۱۱
۲. هردو مبارکند.....	۱۳
۳. هردو کریمند.....	۱۵
۴. هردو عزیزند.....	۱۵
۵. هردو واسط بین خلق و خالقند.....	۱۷
۶. هردو سید و سرورند.....	۱۷
۷. شأن هردو قسط است.....	۱۷
۸. هردو موعظه اند.....	۱۸
۹. هردو رشد دهنده اند.....	۱۹
۱۰. هردو حق اند.....	۱۹
۱۱. هردو شفیعند.....	۲۱
۱۲. هردو شفا دهنده هستند.....	۲۳
۱۳. هردو نورند.....	۲۴
۱۴. هردو چراغ هدایتند.....	۲۴
۱۵. در برابر هردو مسئولیم.....	۲۵
۱۶. هردو خاتمند.....	۲۶
فصل دوم: مهدویت، نمادهای قرآنی	۲۹

۳۰.....	۱. مژده و بشارت
۳۱.....	۲. تولد مخفیانه
۳۳.....	۳. امامت در کودکی
۳۴.....	۴. غیبت
۳۶.....	۵. فعالیت در غیبت
۳۸.....	۶. نیابت
۳۸.....	۷. طول عمر
۴۱.....	۸. احاطه بر ما
۴۴.....	۹. انتظار
۴۷.....	۱۰. حکومت
۴۸.....	۱۱. امدادهای غیبی
۴۹.....	۱۲. رجعت
۵۲.....	فصل سوم: قرآن در سیره امام مهدی
۵۶.....	۱. او تلاوت کننده قرآن است
۵۷.....	۲. او مفسر قرآن کریم است
۵۸.....	۳. او زنده کننده و تجدیدکننده قرآن است
۶۲.....	فصل چهارم: قرآن در عصر ظهور
۷۱.....	خاتمه: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت
۷۷.....	کتابنامه

«الحمد لله رب العالمين، الهی انطقنی بالهدی والهمنی التقوی
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین، السلام علیک یا شریک
القرآن»

مقدمه

در حدیث ثقلین - که متواتر و مورد اتفاق شیعه و سنی است -
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها فرمودند:

من از میان شما می‌روم، ولی دو چیز گران بها میان شما
باقی می‌گذارم؛ یکی قرآن و دیگری اهل بیت و این دو
هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض به من
ملحق شوند.^۱

لذا ما معتقدیم این دو در کنار یکدیگر، وسیله نجات و هدایتند.
اگر کسی فقط به کتاب خدا قناعت کند، گمراه است و اگر کسی
خود را علاقه‌مند به اهل بیت بداند و قرآن را رها کند، باز گمراه
است. این دو همانند دو بال پروازند که اگر باهم نباشند پروازی
صورت نمی‌گیرد؛ و معنای جدا نشدن قرآن از اهل بیت، آن است
که الآن در کنار قرآن، حضرت مهدی هستند. و به یقین در روزگار ما
امام زمان علیه السلام مصداق شریک القرآن می‌باشد. تنها اوست که در این
دوران همیشه با قرآن و در کنار قرآن بوده و خواهد بود؛ چراکه تنها

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ مَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابُ اللَّهِ وَعَشْرَتِي؛ أَهْلُ
بَيْتِي وَ إِيَّاهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»؛ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۴).

امام زمان شریک قرآن و قرآن ناطق است.

بارها گفته‌ام: مسلمانان با این دو یادگار پیامبر جفا کرده‌اند و همین باعث مہجوریت قرآن و مظلومیت اهل بیت شد. باید تحولی در این امر صورت گیرد؛ و امیدوارم خداوند متعال به همه ما توفیق دهد قرآن را از مہجوریت و اهل بیت را از مظلومیت درآوریم و بتوانیم با این عمل قلب حضرت ولی عصر را راضی و خشنود کرده و زمینه‌ساز قیامش باشیم؛ زیرا حضرت مهدی کسی است که در ادعیه و زیارات درباره او می‌خوانیم: «خدایا آنچه از دینت به نابودی گراییده، به وسیله او تجدید فرما و آنچه از کتابت دگرگونی و تبدیل پذیرفته به وسیله او احیا کن»^۱.

«اللَّهُمَّ وَ أَخِي بُولِيكَ الْقُرْآنَ»^۲ و قرآن را به ولی خویش، امام زمان علیه السلام حیاتی دوباره بخش.

این فرازا نحوه عملکرد قرآنی امام زمان علیه السلام و جلوه‌های گوناگون قرآن در عصر ظهور را بیان می‌کند.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

دنیا به آخر نخواهد رسید تا اینکه خداوند از ما اهل بیت، مردی را برانگیزاند که عمل به کتاب خدا کند.^۳

امام مهدی علیه السلام مصداق بارز قرآن ناطق است که با آمدن وی

۱. صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی: «اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَخِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ»؛ (غیبت طوسی، ص ۴۲۰).

۲. مفاتیح الجنان، دعای زمان غیبت.

۳. «وَ اللَّهُ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ»؛ (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸).

همه آیات قرآن درست تفسیر می‌شود و قرآن بر جهان حکومت می‌کند، از مہجوریت بیرون می‌آید، همه مردم به معارف ناب آن به سرعت دست پیدا می‌کنند و حتی ضعیف‌ترین افراد جامعه به این موهبت الهی خواهند رسید.

این نوشتار- که توسط جناب آقای محمدرضا فؤادیان از فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مہدویت حوزه علمیه قم تهیه شده - در چهار فصل به شباهت‌های بین امام و قرآن، نمادهای قرآنی درباره امام، سیره قرآنی حضرت و جایگاه قرآن در عصر ظهور می‌پردازد و در خاتمه اشاره به یکی از وظایف منتظران در این حوزه می‌نماید. امیدوارم این اثر ناچیز مورد قبول قرآن ناطق و صامت قرار گیرد و سهم کوچکی در ترویج فرهنگ قرآن و طرح مباحث مہدویت داشته باشد.

محسن قرائتی

فصل اول: شباهت‌ها



از همگونی قرآن و اهل بیت استفاده می‌شود که شباهت‌هایی بین آنها وجود دارد^۱ و این دو همواره کنار هم بوده و هستند. قرآن منهای امام؛ یعنی: بنی‌امیه، بنی‌عباس، یزید شراب‌خوار، ولید تیرباران‌کننده قرآن، حجاج کعبه خراب‌کن، هارون و مأمون امام کش، تافهد حاجی کش.

قرآن منهای امام؛ یعنی: سکوت به جای فریاد، پوست بدون مغز، جسم بدون روح و...، لذا ما معتقدیم این دو یادگار پیامبر همواره در کنار هم مایه سعادت بشر بوده و هست و الآن کنار همین قرآن، امامی از اهل بیت وجود دارد که شبیه قرآن است و ما به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

۱. هر دو جهانی و جاودانند

قرآن برای همه تاریخ؛ و رسالتش جهانی^۲ و فراملیتی است: ﴿ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳.

قرآن با جملاتی همچون: ﴿كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾^۴ و ﴿لِّلْعَالَمِينَ﴾

۱. برای دانستن برخی از این شباهت‌ها رک: /اصول عقاید، ص ۴۵۵.

۲. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِيَزْمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلِلنَّاسِ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (عین‌الخبار/الرضا، ج ۲، ص ۸۷).

۳. سوره ص، آیه ۸۸.

۴. سوره سبأ، آیه ۲۸.

نَذِيرًا^۱ جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از همان آغاز بیان می کند. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَوْحِي إِلَىٰ هَٰذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ^۲؛ ای

پیامبر! بگو: خداوند این قرآن را بر من وحی کرد تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد انذار کنم﴾.

با توجه به کلمه «و من بلغ» دعوت عمومی و همگانی و رسالت جهانی قرآن مجید به دست می آید و گویای این حقیقت است که این کتاب آسمانی مخصوص نژاد عرب و یا زمان آنها و منطقه آنان نبوده و نیست.

رسالت و حکومت حضرت مهدی نیز جهانی است و او برای همه عصرها و نسل هاست. با توجه به روایات، آیه شریفه:

﴿...أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳ به حکومت امام

مهدی تفسیر و تطبیق شده^۴ و الف و لام برسر کلمه «ارض» شامل مجموع کره زمین می شود و حکومت حضرت جهانی است و سراسر جهان را فرامی گیرد.

در آن روز، حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود^۵ و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و

۱. سوره فرقان، آیه ۱.

۲. سوره انعام، آیه ۱۹.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۶.

۴. امام باقر علیه السلام: «هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان»؛ (مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶).

۵. امام باقر علیه السلام: «وَتَمْلَأُ الْأَرْضَ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَ يُسَلِّبُ الْكُفَّارَ مُلْكُهُمْ، وَلَا يَكُونُ مُلْكٌ إِلَّا الْإِسْلَامُ، وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَأْثُورِ الْفَيْضَةِ»؛ (الملاحم والفتن، ص ۶۶).

به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.^۱

صدها حدیث درباره آینده جهان است^۲ که توسط مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام حکومتی واحد بر تمام زمین حاکم خواهد شد. جباران و کاخ‌های آنان و مستکبران نابود و در همه زمین صدای اذان بلند و قانون خدا حاکم و برکات از آسمان و زمین نازل و رشد فکری و جسمی هر انسان چند برابر و جیب‌های همه مردم یکی و اولیاء خدا عزیز و دشمنان خدا ذلیل و از ستمگران انتقام شایسته گرفته خواهد شد، لذا ما معتقدیم ایمان به مهدویت یکی از قله‌های امید در جهان بشریت است.

۲. هردو مبارکند

قرآن، کتاب مبارکی است: ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ﴾^۳.

یعنی ماندگار است و برکت دارد. برکت آن نیز، هم شامل موافقین قرآن و هم مخالفین قرآن است؛ یعنی قرآن برای موافقین

۱. امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام: «يُفَتَّرُ الْمُهْدَى أَصْحَابُهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَيَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَيَأْمُرُهُم بِعُمَرَانِ الْمُتَدِينِ»؛ «الامام المهدی، ص ۲۷۱). ناگفته نماند برای این بحث می‌توان از روایات عدل جهانی، آبادانی جهانی و غیره نیز استفاده برد.

۲. رک: منتخب الاثر، فصل هفتم که درباره فتوحات بی‌نظیر، ظاهرشدن گنج‌های زیرزمین، فرود آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، تکامل عقل‌ها، آبادانی جهان و پرشدن زمین با عدل و داد که شامل ۱۲ باب و ۳۷ حدیث است.

۳. سوره انبیاء، آیه ۵۰.

و مخالفین برکت دارد. عجب! قرآن برای کفار چه برکتی دارد؟! در قرآن مطالبی است که دیگران از آن گرفته‌اند، گرچه به آن ایمان ندارند. هیچ مانعی ندارد که يك کسی معتقد به جمهوری اسلامی نباشد، اما از برق جمهوری اسلامی در خانه‌اش استفاده کند؛ بنابراین قرآن از همه جهت مبارك است:

(الف) از جهت نازل کننده: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ﴾^۱؛

(ب) خود قرآن مبارك است: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ﴾^۲؛

(ج) از جهت مکان نزول: ﴿بَبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾^۳؛

(د) از جهت زمان نزول: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا

مُنذِرِينَ﴾^۴؛ ما قرآن را در شبی مبارك و فرخنده نازل کردیم، ما همواره انداز کننده بودیم.

امام مهدی هم مبارك است.

پیامبر اکرم ﷺ بعد از بیان پاره‌ای از حوادث و گرفتاری‌های

آخرالزمان می‌فرماید:

آنگاه خداوند مردی از بهترین فرزندان من و پاک‌ترین

عترت من برمی‌انگیزد و سراپا عدل، برکت و پاکی است،

(عدلا مبارکا ذکیا). از کوچک‌ترین حق کشی چشم

نمی‌پوشد. خداوند به وسیله او دین و آیین و قرآن و اهل

ایمان را عزیز می‌کند و شرک و اهل شرک را خار و زبون

۱. سوره فرقان، آیه ۱.

۲. سوره ص، آیه ۲۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۴. سوره دخان، آیه ۳.

می سازد.^۱

۳. هردو کریمند

همان طور که می دانید خداوند کریم است: ﴿مَا عَزَّكَ رَبِّكَ
الْكَرِيمُ﴾.^۲ فرستاده های او هم مانند قرآن، کریم هستند: ﴿إِنَّهُ
لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾.^۳ رسول خدا هم کریم است: ﴿وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ
كَرِيمٌ﴾^۴ و واسطه نزول وحی (جبرئیل) هم کریم است: ﴿إِنَّهُ
لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾.^۵

امام مهدی هم - که از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر
انتخاب شده - کریم است. در زیارت روز جمعه به امام مهدی عرض
می کنیم: «وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ...».^۶

۴. هردو عزیزند

در منطق وحی «عزّت» به معنای نفوذناپذیری است که هم
خداوند چنین است، هم پیامبر، هم مؤمنان: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ
لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۷ و هم قرآن: ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾^۸ و هم امام مهدی.

۱. «إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَطْلَافِ عَشْرَتِي وَأَبْرَارِ دُرِّيَّتِي عَدْلًا مُبَارَكًا زَكِيًّا لَا يُغَادِرُ مَثْقَالَ ذَرَّةٍ، يُعِزُّ اللَّهَ بِهِ
الدِّينَ وَالْقُرْآنَ وَالْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَيُذِلُّ بِهِ الشِّرْكَ وَأَهْلَهُ»؛ (الملاحم والفتن، ص ۱۰۸).

۲. سوره انفطار، آیه ۶.

۳. سوره واقعه، آیه ۷۷.

۴. سوره دخان، آیه ۱۷.

۵. سوره تکویر، آیه ۱۹.

۶. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

۷. سوره منافقون، آیه ۸.

۸. سوره فصلت، آیه ۴۱.

یکی از القاب امام مهدی عزت است^۱ و در روایات آمده که او بیعت هیچ طاغوتی را نمی پذیرد. خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

هر یک از پدرانم بیعت یکی از طاغوت های زمان به گردنشان بود، ولی من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.^۲

در دولت کریمه او، اسلام و اهلش عزیز و مخالفان آن ذلیل و نابود می شوند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ ، تُعَزِّزُ بِهَا الْاِسْلَامَ
وَاَهْلَهُ ، وَتُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَاَهْلَهُ؛^۳ خدایا از تو امید داریم
که دولت باکرامت امام زمان را به ظهور آوری، و اسلام
و اهلش را با آن عزت بخشی و نفاق و اهل آن را ذلیل و
خوار گردانی.

و در زیارت حضرتش عرضه می داریم: «وَأَنْتَ... عِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ»؛
او عزت دهنده به مومنان است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ
الْمُسْتَضَعِّفِينَ».^۴ و منتظران در پگاه هر جمعه، ندبه سر داده و
می گویند: «أَيَّنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ».^۵

۱. نجم القاب، ص ۱۳۵.

۲. «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغُوتٍ زَمَانِيَةٍ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱).

۳. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۴. همان، دعای استغاثه به حضرت مهدی.

۵. همان، دعای ندبه.

۵. هر دو واسط بین خلق و خالقند

امام علی علیه السلام درباره سرآمد کتب آسمانی می فرماید:
فانه حُبْلُ اللَّهِ الْمُتَيْنِ؛^۱ قرآن ریسمان محکم خداوند و
دستاویز مطمئن اوست.

امام مهدی علیه السلام هم سبب متصل بین ارض و سماء است که
عاشقان حضرتش به فرمایش امام صادق علیه السلام در هر عیدی خصوصاً
روز جمعه در دعای ندبه می گویند: «أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ».

۶. هر دو سید و سرورند

قرآن سید الکلام است؛^۲ از القاب امام مهدی هم سید است و در
احادیث و ادعیه با عنوان سید آمده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:
سیدی! غَيْثُكَ نَفْتُ رُقَادَى و...؛^۳ سرور من! غیبت تو
خواب از دیدگانم ربوده.

۷. شأن هر دو قسط است

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ختم قرآن در صحیفه سجادیه
درباره قرآن می فرماید:

وَمِيزَانِ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ؛ قرآن ترازوی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. نجم الثاقب، ص ۱۸۴.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۶۳.

عدلی است که از بیان حقّ زبانش کوتاه نیست.^۱
در روایات فروان؛ امام مهدی پرکننده زمین از قسط معرفی شده
است:

يُنَالُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

هرچند عدل و قسط معمولاً در کنار یکدیگر و یا به جای یکدیگر
به کار می‌روند، اما تفاوت‌هایی نیز باهم دارند و موارد کاربرد
متفاوتی پیدا می‌کنند.

گاهی عدل در برابر ظلم به کار می‌رود و قسط در برابر تبعیض.
گاهی قسط را در تقسیم عادلانه به کار می‌برند، اما عدل اعم از
تقسیم عادلانه و هر کار عادلانه دیگر است. و گاهی عدل در مورد
حکومت و قضاوت به کار می‌رود و قسط در مقام تقسیم حقوق.

۸. هردو موعظه‌اند

قرآن، موعظه پروردگار است: ﴿مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾.^۲

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

مهدی، آنان را با کلامی حکیمانه به پذیرش حق
دعوت می‌کند و با زیباترین و شیرین‌ترین سخنان آنها
را موعظه می‌کند که بسیاری از آنها توجه کرده، به حق
گردن می‌نهند و دست از مخالفت و ستمگری و تعدی
برمی‌دارند.^۳

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

۲. سوره یونس، آیه ۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۹. هردو رشد دهنده اند

قرآن مردم را به رشد هدایت می کند: ﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ﴾.^۱ امام مهدی علیه السلام نیز همه هستی را به رشد و تعالی می رساند.

امام باقر علیه السلام در توصیف رشد اخلاقی در عصر مهدی می فرماید: اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ يَدُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛^۲ وقتی قائم ما قیام کند دستی بر سر بندگان ما می کشد و اخلاقشان را به کمال می رساند.

و درباره رشد علمی، امام صادق علیه السلام می فرماید: علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف با حرف های دیگر آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد.^۳

۱۰. هردو حق اند

قرآن حق و یقینی است: ﴿وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ﴾.^۴

۱. سوره جن، آیه ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۶.

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ خَرْفَانِ فَلَمْ يُعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرِ الْخَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَيَبْنِيهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْخَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْنِيَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ (همان، ج ۵۲، ص ۳۲۶).

۴. سوره الحاقه، آیه ۵۱.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾^۱

و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کردیم، همان حق است که تصدیق کننده کتاب های پیش از آن است؛ قطعاً خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بینا است.

از القاب امام مهدی هم حق است^۲ و در زیارتش این گونه سلام می دهیم: «السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ»^۳ سلام بر امام به حق که مجدد است.^۴ و در زیارت دیگر عرض می نماییم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ»^۵ گواهی می دهم که تویی آن حق ثابت که عیبی در آن نیست.

امام محمد باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۶ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل، نابود شدنی است، می فرماید: این آیه درباره امام زمان است.

۱. سوره فاطر، آیه ۳۱.

۲. نجم الثاقب، ص ۱۷۹.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان علیه السلام.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۷.

۵. سوره اسراء، آیه ۸۱.

۶. «وَفِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ ذَوْلَةُ الْبَاطِلِ»؛ (روضة الكافی، ص ۲۸۸).

۱۱. هر دو شفیعند

قرآن مقام شفاعت دارد: «نعم الشفیع القرآن».^۱ قطعاً یکی از شفاعت کنندگان در روز قیامت قرآن است؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ وَمُشَفَّعٌ... وَأَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُفِّعَ فِيهِ؛^۲ بدانید که قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش روز قیامت (درباره کسانی که آن را یاد گرفته و یاد داده و تلاوت کرده و به آن عمل نموده‌اند) پذیرفته است.

گرچه بعضی مسئله شفاعت قرآن را نوع دیگری معنا و دست به توجیه زده‌اند، ولی طبق روایات بسیاری که در کتاب اصول کافی وارد شده،^۳ قرآن همانند سایر اعمال خیر، تجسم یافته و در قیافه يك جوانی بسیار زیبا ظاهر شده و در برابر اهل قیامت عبور می‌کند به طوری که همه فرشتگان و انبیاء و مؤمنان خیال می‌کنند او یکی از افراد آنان است، ولی از جلوی همه آنها گذشته و در مقامی والا قرار می‌گیرد و آنگاه از هواداران خود شفاعت می‌کند و می‌گوید: خدایا! فلانی در راه من زجرها کشید و از من مواظبت نمود، امروز او را از بهترین نعمت‌ها بهره‌مند فرما.

جالب اینکه شفاعت قرآن تنها برای نجات از قهر خداوند

۱. نهج الفصاحه، جمله ۶۳۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۹۶.

نیست، بلکه طبق روایات، شفاعت برای زیاد شدن و ارتقای مقام و درجه نیز هست.^۱

امام مهدی علیه السلام نیز مقام شفاعت دارد. پیامبر در وصف او فرمود: «وَالْمُهْدَى شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۲ در روایت دیگری نیز فرمود: «وَالْقَائِمُ شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ و قائم آل محمد شفیع آنها در روز قیامت است.^۳

به خاطر همین است که صاحب کتاب مکیال المکارم درباره یکی از فایده‌های دعا کردن در حق امام مهدی می‌نویسد:

دعا کردن برای تعجیل فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مایه رستگاری به شفاعت آن حضرت است....

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

در روز قیامت مردی را - که امر شده به آتش ببرند - از کنار مومنی که در دنیا با او آشنا بوده می‌گذرانند. او به این مؤمن می‌گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی می‌کردم و در حوائجی که به من رجوع می‌کردی یاری‌ات می‌نمودم، آیا امروز پاداشی برای من داری؟ پس مؤمن به فرشته گماشته او می‌گوید: او را رها کن. پس خداوند سخن مؤمن را می‌شنود و به آن فرشته امر می‌کند که فرمان مؤمن را بپذیرد و آن

۱. همان، ص ۵۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۶.

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۹۲؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷۰.

شخص را آزاد می‌سازد.^۱

صاحب مکیال بعد از نقل این روایت می‌نویسد: وقتی وضع مؤمن باکسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد؛ بدون تردید مولای ما حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شفاعت می‌کند در حق کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا نماید و او را روز قیامت در عذاب رها نمی‌سازد؛ زیرا دعا از روابط مهم و ریسمان‌های محکم است که نشانه محبت و مایه مسرت و از اقسام یاری و انواع خدمت آن حضرت است.

۱۲. هر دو شفا دهنده هستند

قرآن شفا دهنده است: ﴿نُنْزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾.^۲

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم شفاء برای مومنین است.^۳ امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند؛ اگر به بیماری دچار باشد شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد توانا و نیرومند می‌شود.^۴

در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است که هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آنکه خداوند در عصر ظهور

۱. مکیال المکارم، ج ۲، فایده ۱۲.

۲. سوره اسراء، آیه ۸۲.

۳. الزام الناصب، ص ۲۰۹؛ روزگارهای، ج ۲، ص ۶۰۸ (وشفاء و رحمه للمومنین).

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

درد او را برطرف می‌سازد.^۱

۱۳. هردو نورند

قرآن، نور است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾.^۲ و همچنین خداوند در آیه ۱۵ سوره مائده فرمود: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾.^۳ یکی از القاب قرآن ناطق این عصر و زمان امام مهدی علیه السلام هم نور است.^۴

و در ادعیه و زیارات به این معنی بسیار اشاره شده است؛ مانند:
 الف) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَاللهِ؛ درود بر تو ای نور خدا؛^۵
 ب) نورک المتالق و ضیائک المشرق؛ نور تو تابنده و پرتو فروزان؛^۶
 ج) نورالله الذی لا یخبوا؛ نور خدا که خاموش نشود؛^۷
 د) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَاللهِ الَّذی؛ درود بر تو ای نور خدا که هرگز خاموشی ندارد؛^۸
 ه) «نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى».^۹

۱۴. هردو چراغ هدایتند

قرآن چراغ هدایت است. امام علی علیه السلام درباره قرآن می‌فرماید:

۱. همان، ج ۳، ۵۳، ص ۶۲.

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۷.

۳. نجم الثاقب، ص ۱۲۲.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۱۹۶، اسامی هفته.

۵. همان، ص ۳۷۳، دعای شب نیمه شعبان.

۶. همان.

۷. مفاتیح الجنان، ص ۸۶۸، زیارت حضرت صاحب امر.

۸. همان، زیارت آل پس.

و سراجاً لا یخبوا توقده؛ قرآن چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد.^۱

در قرآن کریم آخرین پیامبر الهی صلی الله علیه و آله به «سراج» تشبیه شده است.^۲ امام مهدی هم چراغ هدایت است. در زیارت حضرت معصومه یکی از القاب ذکر شده برای امام مهدی «سراجک» است. یوسف زهرا علیها السلام در این عصر، تنها چراغ راه هدایت است. او «سراج الله» است و تاریکی‌ها را می‌زداید و چشم‌ها و دل‌ها را به خداوند متعال متوجه می‌نماید.

از تشبیه قرآن و خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف به «سراج» درمی‌یابیم، همان‌طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به سوی خداوند متعال فراخواند، امام مهدی علیه السلام نیز همانند قرآن و پیامبر، چراغ هدایت است.

۱۵. در برابر هر دو مسئولیم

در قبر از ما درباره هر دو سؤال می‌شود. امام سجاد علیه السلام درباره این دو مورد که انسان بازخواست می‌شود، فرمود: «عن کتابک الذی کنت تتلو؛ و از کتابت که آن را تلاوت می‌کردی، می‌پرسند». و آنگاه «وعن اما مک الذی کنت تتلوه؛ و از امامی که تو ولایت آن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. ﴿و داعیا الی الله باذنه و سراجاً منیراً﴾؛ (سوره احزاب، آیه ۴۶).

را داری، می پرسند».^۱

قطعاً بر اساس آیات^۲ از ما در رابطه امام زمان سؤال می کنند. در ذیل آیه شریفه ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۳ روایات متعددی، امامت و ولایت را نیز از مصادیق نعمت مورد سؤال در آیه برشمرده اند.^۴

همچنین پیامبر ﷺ فرمود:

ثُمَّ أَسْأَلَهُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي؛ از مردم سؤال می شود که با قرآن و اهل بیت من چگونه عمل کردید؟^۵

۱۶. هر دو خاتمند

قرآن خاتم کتاب های آسمانی است؛ زیرا خداوند در آیه ۴۰ سوره احزاب به طور صریح مسئله خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ را مطرح فرموده که ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾؛ محمد ﷺ، پدر هیچ يك از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به

۱. امالی صدوق، ص ۴۰۷؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ تنالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۵۰.

۲. نظیر آیه: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابُهُ بِبَيِّنَةٍ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ قَبِيلاً﴾؛ روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرامی خوانیم، پس هرکس نامه عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه خود را (با شادی) می خوانند و کمترین ستمی بر آنان نمی شود. ﴿﴾

۳. سوره تکوین، آیه ۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۹۹.

۵. تفسیر فرقان، ذیل آیه شریف.

همه چیز آگاه است ﴿۹۶﴾.

گفتنی است در قرآن، به طرق مختلف بر خاتمیت اشاره شده است؛ از جمله اینکه بیش از ۳۰ مرتبه در عبارت‌های مختلف، کلمه «مِنْ قَبْلِكَ» ذکر شده، ولی حتی برای یک بار هم کلمه «مِنْ بَعْدِكَ» نیامده است.

امام مهدی هم خاتم الاوصیاء است. در ادعیه آمده است:

اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰی خَاتَمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، اَلْمُسْتَوْرِعِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ^۱

در فراز دیگری آمده است:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ الْاَوْصِيَاءِ^۲.

طریف ابونصر گوید: بر صاحب الزّمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالٰی وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور؛ پس برای ایشان آوردم. آن حضرت رو به من کرد و فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم: بله. سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند! بفرمایید مقصودتان چه بود؟ حضرت فرمود:

اَنَا خَاتَمُ الْاَوْصِيَاءِ وَبِيْ يَدْفَعُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ اَهْلِ وَشِيْعَتِيْ؛ من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله

۱. بلد الامین، ص ۹۶.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالٰی.

من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد.^۱
 علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ به عنوان
 «خاتم الائمه» نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 می فرماید:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيِّي. أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْإِمَّةِ مِنَّا
 الْقَائِمُ الْمُتَهْدَى؛^۲ ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین
 من. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم و مهدی از ما
 است.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

۲. روضة الواعظین، ص ۹۷.

فصل دوم: مهدویت، نمادهای قرآنی



آیاتی که مربوط به بحث مهدویت است، در کتاب «پرتوی از آیه‌های مهدوی» برگرفته از تفسیر نور انتخاب و به رشته تحریر درآمده است؛ اما اینجا مطلب این است که در بحث مهدویت هر مطلبی داریم می‌توانیم شبیه و نظیر آن را از قرآن بیاوریم تا بر همگان ثابت شود این مطلب غیرعادی نبوده و نیست.^۱

۱. مژده و بشارت

قبل از تولد امام مهدی، انبیاء و اولیا به آمدنش بشارت داده بودند؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ...؛ شما را بشارت به آمدن مهدی می‌دهم که در امت من برانگیخته می‌شود و زمین را آکنده از عدل و داد می‌سازد، همان‌گونه که از ظلم و جور پرشده است.^۲

در قرآن بشارت زیاد است؛ حتی مژده به ولادت هم مطرح شده است و این مسئله منحصر به امام مهدی نیست.

۱. آقایان حجج اسلام حسن دهشیری و رحمت جعفری کتابی با همین عنوان تألیف نموده‌اند که توسط انتشارات شهیدان زین الدین به زیور طبع آراسته شده است و ما در اینجا فقط برخی را یادآور می‌شویم.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۱. ﴿فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبُ﴾^۱ ما او (همسر حضرت ابراهیم) را به (فرزندی به نام) اسحاق و پس از اسحاق، (فرزندی به نام) یعقوب بشارت دادیم.

۲. ﴿فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾^۲ پس ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار مژده دادیم.

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَبْشِرُكَ بِيَحْيَى﴾^۳ خداوند تو (زکریا) را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می دهد.

۴. ﴿يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَبْشِرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾^۴ ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می دهد.

۲. تولد مخفیانه

تولد امام زمان علیه السلام مثل تولد حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیه السلام است. به بنی عباس گفته بودند از امام حسن عسگری علیه السلام بچه ای متولد می شود که کاخ ظلم را به هم می ریزد. آنها هم تلاش هایی انجام دادند و جاسوس های زیادی را گذاشته بودند که حضرت متولد نشود یا اگر تولد یافت، او را به شهادت برسانند؛ اما با اراده الهی، حضرت مخفیانه به دنیا آمدند.

۱. سوره هود، آیه ۷۱.

۲. سوره صافات، آیه ۱۰۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۳۹.

۴. سوره آل عمران، آیه ۴۵.

یعنی همان طور که فرعون شنیده بود فردی از بنی اسرائیل می آید و نظام سلطه او را برهم می زند، بنی العباس هم شنیده بودند دوازدهمین جانشین پیامبر، ظلم را از بین می برد؛ لذا به همین خاطر تلاش های زیادی کردند و این ماجرا سبب شد تا تولد امام مهدی پنهانی صورت گرفت.

شما می دانید در طول شش سال امامت امام حسن عسکری، خفقان شدیدی بر اهل بیت و شیعه حاکم بود و سختگیری های حکومتی که ناشی از ترس حاکمان از تولد امام مهدی بود بسیار مشاهده می شود. امام عسکری علیه السلام می فرماید:

بنی امیه و بنی العباس به دو علت، شمشیرهایشان بر روی ما کشیده بود: اول، آنها به خوبی می دانستند که در حکومت و خلافت حقی نداشته، بنابراین از ادعای ما در خلافت هراس داشتند. دوم، آنها با توجه به روایات متواتر فهمیده بودند که نابودی سلطنت ظالمانه به دست «قائم» ما می باشد و شک نداشتند که خودشان از حکام ظالم می باشند؛ به همین جهت تمام تلاش خود را در جهت کشتن اهل بیت پیامبر و از بین بردن نسل او به کار گرفته بودند تا شاید از ولادت «قائم» جلوگیری کرده و یا در صورت تولد، او را به شهادت برسانند؛ پس خداوند إبا داشت تا امرش را برای احدی از آن ظالمان بر ملا سازد و خداوند نورش را به سرانجام می رساند، گرچه کافران

ناخوشایند باشند.^۱

بنابراین تولد مخفیانه در عالم منحصر به امام زمان نیست؛ قرآن تولد حضرت موسی را نیز پنهانی مطرح می‌کند و این ماجرا در سوره‌های قصص و طه آمده است.

وقتی به فرعون خبر دادند امسال پسری متولد می‌شود که کاخ تو را زیرورو می‌کند، فرعون هم به جاسوس‌هایش دستور داد امسال هر نوزاد پسری که به دنیا آمد را بکشند. مادر موسی وقتی موسی را به دنیا آورد و دید بچه‌اش پسر است، خیلی مضطرب و آشفته می‌شود. می‌گوید: الآن جاسوس‌های فرعون بچه مرا می‌کشند؛ اما: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ امْرَأَتِ مُوسَىٰ أَنْ أُرْضِعِيهِ...﴾^۲؛ خداوند به مادر موسی الهام کرد که او را شیر داده در صندوق بگذارد و به رودخانه بیاندازد تا از شر مأموران فرعون در امان بماند.

۳. امامت در کودکی

ما معتقدیم امام مهدی در سن پنج‌سالگی به امامت رسیده است. این مسئله در قرآن نیز نظیر و شبیه دارد:

۱. ﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۳ ای یحیی!

کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (و نبوت) دادیم.

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۹۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۶، ص ۲۵.

۲. سوره قصص، آیه ۷.

۳. سوره مریم، آیه ۱۲.

۲. ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^۱ (عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است.^۲

از امام باقر سؤال شد که آیا حضرت عیسی در گهواره نیز حجت خدا بر مردم بود؟ حضرت فرمودند: عیسی علیه السلام نبی بود، اما مرسل نبود؛ وقتی به سن هفت سالگی رسید، مقام رسالت نیز به او اعطا شد.^۲

۴. غیبت

ما معتقدیم امام مهدی در غیبت به سر برده و می‌برند و این مسئله در قرآن برای سایر حجت‌های الهی بیان شده است، مانند غیبت حضرت یوسف از برابر دیدگان پدر.

شیخ صدوق انگیزه خود از نگارش کتاب کمال الدین و تمام النعمة را دفاع از مسئله غیبت بیان می‌کند؛ حتی نحوه تألیف این اثر بر اساس ذکر غیبت انبیاء می‌باشد. شیخ صدوق در این باره می‌نویسد:

بعد از زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام به نیشابور رفتم. در آنجا شیعیان به دیدن من می‌آمدند و شبهاتی را درباره امام زمان علیه السلام مطرح می‌کردند که من هم سعی فراوانی در حل آن شبهات نمودم، تا آنکه به قم آمدم.

۱. سوره مریم، آیه ۳۰.

۲. تفسیر کنزالعرفان، ذیل آیه شریفه.

در آنجا نیز شیخ نجم الدین به دیدارم آمد. او نیز از من درخواست نگارش کتابی در این باره داشت و من هم به ایشان وعده اجابت دادم. شبی در خواب دیدم مشغول طواف خانه خدا هستم که در همین موقع امام زمان (علیه السلام) را دیدم. آن حضرت به من فرمود: «چرا کتابی درباره غیبت نمی نویسی تا خداوند به وسیله آن غم و غصه ات را برطرف سازد؟». عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! من در این باره چند کتاب نوشته ام». آن حضرت فرمود: «اینک کتابی بنویس و در آن به غیبت های پیامبران الهی اشاره کن!». پس از آن از خواب بیدار شدم و بر آن شدم تا این کتاب را بنویسم.^۱

یکی از نمونه های غیبت انبیاء، غیبت حضرت موسی است که مدتی در برابر دیدگان قوم بنی اسرائیل نبود. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

و ما با موسی، سی شب (در کوه طور، برای نزول تورات و آیات الهی) وعده گذاشتیم و آن را با (افزودن) ده شب کامل کردیم، پس میعاد پروردگارش چهل شب کامل شد و موسی (پیش از رفتن به این وعده گاه) به برادرش هارون گفت: در میان امت من جانشین من باش (و) کار مردم را (اصلاح کن و از راه و روش مفسدان پیروی مکن!).^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه کتاب، ص ۳.

۲. ﴿وَإِذْ نَادَىٰ مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَةٍ مِّمَّا قَدْ رُبِّهِ أَنْبِئِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ

در آیه ۵۱ سوره بقره، سخن از وعده چهل شب با موسی است: ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾، ولی در اینجا سی شب به اضافه ده شب است که به فرموده امام باقر علیه السلام فلسفه این کار، آزمایش بنی اسرائیل بوده است. در روایات می خوانیم: سی شب آن در ماه ذی القعدة و ده شب آن در اوّل ماه ذی الحجه بوده است.

قرآن می فرماید:

پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت (و) گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما وعده ای نیکو (نزول تورات) نداد؟ آیا مدت (غیبت من) بر شما طولانی شد؟ یا اینکه می خواستید خشمی از طرف پروردگارتان بر شما فرود آید که با قرار و موعد من تخلف کردید؟!^۱

۵. فعالیت در غیبت

امام مهدی در این دوران فعال ترین موجود هستی است که در دعای امام رضا با عنوان «الْمُجْجَجِجِ الْمُجَاهِدِ» ذکر شده است؛^۲ یعنی امام مهدی سرور بزرگوار مجاهد است. منتهی مردم از این فعالیت ها آگاه نیستند. نمونه قرآنی آن مصاحب حضرت موسی است که کشتی را سوراخ کرد، بچه ای را کشت و دیواری را ترمیم

اٰخُلِفْنِي فِي قَوْمِي وَاصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ (سوره اعراف، آیه ۱۴۲).

۱. ﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَتُؤَلِّقُ أَلْفَالَكُمْ عَلَيْهِمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَأَيْتُمْ أَن يَجْلَ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي﴾؛ (سوره طه، آیه ۸۶)

۲. جمال الاسوع، ص ۳۱۰؛ صحیفه مهدیه، ص ۲۹۰؛ مفاتیح الجنان، دعا برای امام عصر علیه السلام.

نمود و مردم فعالیت‌های او را ندیدند؛ بلکه فقط آثار آنها را دیدند، زیرا اگر او را به هنگام سوراخ کردن کشتی یا کشتن می‌دیدند، رهایش نمی‌کردند.

در سوره کهف، آیه ۷۱ آمده:

﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا؛ پس آن دو (موسی و خضر) به راه افتادند، تا آنکه سوار کشتی شدند. (خضر) آن را سوراخ کرد. موسی (از روی اعتراض یا تعجب) گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟ راستی که کار ناروایی انجام دادی!﴾.

در سوره کهف، آیه ۷۴ می‌خوانیم:

﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا؛ پس به راه خود ادامه دادند تا به نوجوانی برخورد کردند، پس خضر او را کشت. موسی گفت: آیا بی‌گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟ به راستی کار زشت و منکری انجام دادی!﴾.

و در آیه ۷۷ آمده:

﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتُ لَاتَّخَذْتُ عَلَيْهِ جُزْأً؛ پس آن دو به راه خود ادامه دادند تا به اهل يك آبادی رسیدند، از اهل آنجا غذا خواستند، آنان از مهمان کردن آن دو سرباز زدند. پس آن دو در آنجا دیواری را یافتند که در حال ریزش بود. خضر، دیوار را برپا

کرد. (موسی با تعجب) گفت: اگر می‌خواستی برای این کار مزد می‌گرفتی! ﴿۱﴾

آیا اگر مردم آنجا می‌دیدند آن دو دیوار خرابه‌ای را بدون مزد درست می‌کنند، مسخره نمی‌کردند؟! آنها فقط بعداً متوجه شدند کشتی سوراخ شده، بچه کشته شده و دیوار درست شده است؛ و اگر قرآن پرده از راز این قضایا بر نمی‌داشت، هیچ‌کس از آن آگاه نمی‌شد. لذا الآن ما از فعالیت‌ها و کارهایی که حضرت انجام می‌دهند، آگاه نیستیم و بعداً می‌فهمیم امام در این دوران چه کارهای مهمی را انجام داده است.

۶. نیابت

ما معتقدیم در دوران غیبت صغرا چهار نفر به‌عنوان نائبان خاص و در غیبت کبرا فقهای جامع‌الشرایط نائبان عام حضرت مهدی هستند و این مسئله در قرآن مطرح شده است:

﴿...وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (و ما با موسی، سی شب (در کوه طور، برای نزول تورات و آیات الهی) وعده گذاشتیم و آن را با (افزودن) ده شب کامل کردیم، پس میعاد پروردگارش چهل شب کامل شد و موسی (پیش از رفتن به این وعده‌گاه) به برادرش هارون گفت: در میان امت من جانشین من باش (و کار مردم را) اصلاح کن و از راه و روش مفسدان پیروی مکن! ﴿۲﴾

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

بنابراین همان طوری که حضرت موسی برای دوران غیبت، هارون را جانشین خود و رهبر مردم قرارداد، امام مهدی هم برای دوران غیبت خود، جانشینانی را قرارداد.

۷. طول عمر

عمر طولانی دادن به بشر برای خداوند محال نیست؛ همان گونه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قرن ها زنده نگه داشته تا حکومت عدل جهانی را برپا کند. گرچه جسم تمام مردم پس از کحولت سن فرسوده می شود، ولی آن حضرت به گفته بزرگان دین، همچنان در چهره انسان چهل ساله ثابت است و این جای تعجب نیست.

در قرآن برای طول عمر شبیه و نمونه بیان شده است. طولانی بودن عمر حضرت نوح^۱ و زنده بودن حضرت عیسی^۲ نمونه هایی از این قبیل است. گفتنی است تنها پیامبری که مدت رسالتش در قرآن بیان شده، حضرت نوح عليه السلام است. البته ۹۵۰ سال، مدت رسالت آن حضرت تا زمان طوفان است، اما مدت پیامبری ایشان پس از طوفان و سال های عمرش بیان نشده است. درباره مدت رسالت حضرت نوح در قرآن آمده:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا

۱. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ؛^۱ و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان هزار سال، به استثنای پنجاه سال، درنگ کرد، ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند؛ پس طوفان (قهر خداوند) آنان را درحالی که ستمگر بودند، فراگرفت.

قرآن، بابیان عمر طولانی انسان‌های گذشته، آن را امری ممکن و شدنی خوانده است. مثال ساده آن این است که در صورت همه ما، موی ابرو و مژه ده‌ها سال ثابت است، در صورتی که موی سرو صورت همواره در حال تغییر و تحول است، با آنکه آب و غذا و هوا و محل هر دو مو، یکی است. آری، خداوند می‌تواند انسانی را ثابت و دیگران را متغیر قرار دهد. همچنین گاهی پرسیده می‌شود که چگونه عمر بیش از هزار سال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را باور کنیم؟

پاسخ آن است که در آیه ۲۵۹ سوره بقره می‌خوانیم: شخصی - که به گفته روایات و تفاسیر، عزیر نام داشت - از کنار یک آبادی عبور می‌کرد که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فروریخته بود و مشخص بود که مدتی طولانی از مرگ ساکنین آنجا و زمان تخریبش می‌گذرد، با خود گفت: «خداوند چگونه ساکنین اینجا را پس از مرگشان زنده می‌کند؟».

خداوند در همان لحظه جان‌ش را گرفت و پس از صدسال زنده کرد و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی

۱. سوره اعراف، آیه ۱۳۳.

از یک روزا». خداوند فرمود: «نه، بلکه صدسال است که در اینجا مانده‌ای، به غذا و نوشیدنی خود که همراه داشتی نگاه کن که باگذشت سال‌ها تغییر نکرده است، اما به الاغ خود نگاه کن که هیچ اثری از آن باقی نمانده است؛ ما زنده شدن تو را نشانه و حجتی برای مردم قرار می‌دهیم، اکنون به استخوان‌های الاغ مرده خود بنگرو ببین که چگونه آنها را به هم پیوند می‌دهیم و بر آنها گوشت می‌پوشانیم و زندگی دوباره به آن می‌بخشیم».

بنابراین آیه، غذا و نوشیدنی به مدت صدسال تغییر نکرد، درحالی که به طور طبیعی می‌بایست پس از چند روز فاسد می‌شد، صدسال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می‌ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی اش سالم نگاه داشت.

اکنون به سراغ عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رویم که هنوز حتی به حد ۲۰ برابر عمر طبیعی نرسیده است، بنابراین نه دلیل عقلی بر محدود کردن عمر انسان داریم و نه عمر طولانی، چیز محالی است. از طرفی تعجب ما از طولانی بودن عمر به خاطر مقایسه آن با خودمان و قدرت محدود خودمان است، درحالی که نمونه‌های دیگری از طول عمر نیز در تاریخ و طبیعت وجود دارد؛ ازجمله: اصحاب کهف و خواب چند صدساله آنها، عمر چندین هزارساله نوعی ماهی و برخی از درختان و ...

آری، خداوندی که به استخوان، قدرت شنیدن و به پیه چشم، قدرت دیدن می‌دهد، می‌تواند عمر انسان را نیز طولانی کند.

۸. احاطه بر ما

ما معتقدیم در منظر امام هستیم و او بر احوالات ما علم و آگاهی دارد که بهترین نمونه قرآنی، اطلاعات حضرت عیسی از زندگی مردم بوده است :

﴿وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱ واز آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید به شما خبر می دهم، به راستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است ﴿.

وقتی انبیاء علم غیب دارند و حتی به جزئیات زندگی مردم آگاهند، به راحتی می توان گفت امام مهدی آگاه به همه مسائل ماست. نیک می دانید در قرآن و روایات، مطالبی بیان شده که نشان می دهد انبیاء و اولیای الهی علم غیب داشته اند؛ همچنین آیات و روایاتی به چشم می خورد که نشانگر آن است که آنان علم غیب ندارند! جمع میان این دودسته آیات و روایات به چند صورت است:

الف) آنجا که می فرماید: علم غیب نمی دانند، مراد آن است که آن بزرگواران از پیش خود غیب نمی دانند و آنجا که می گوید: غیب می دانند، یعنی با اراده و الهام و وحی خدا می دانند، نظیر آنکه می گوییم: فلان شهر نفت ندارد یا نفت دارد که مراد ما از نداشتن

۱. سوره آل عمران، آیه ۴۹.

این است که زمین آن نفت خیز نیست، یعنی از خود نفتی ندارد و مراد از داشتن نفت آن است که به وسیله لوله و ماشین و کشتی و قطار، نفت به آنجا می‌رسد.

ب) علم غیب، دو گونه است که انبیاء بخش اعظم آن را می‌دانند، نظیر اخباری که قرآن به نام غیب به پیامبر اسلام وحی فرمود:

﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ﴾^۱ و بخشی از علم غیب مخصوص خداوند است و هیچ‌کس از آن اطلاعی ندارد، نظیر علم به زمان برپایی قیامت ﴿...﴾.

پس آنجا که نمی‌دانند، یعنی بخش مخصوص به خداوند را نمی‌دانند و آنجا که می‌دانند، یعنی بخشی دیگر را می‌دانند.

ج) مخاطبان آن بزرگواران متفاوت بودند؛ بعضی اهل غلو و مبالغه بودند که پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام به آنان می‌فرمودند: ما غیب نمی‌دانیم تا درباره آنان مبالغه نکنند. و بعضی در معرفت آن بزرگواران ناقص بودند که پیامبر و امام، برای رشد آنان، گوشه‌ای از علم غیب خود را عرضه می‌کردند.

د) مراد از نداشتن علم غیب، نداشتن حضور ذهنی است، ولی به فرموده روایات برای امامان معصوم عمودی از نور است که با مراجعه به آن از همه چیز آگاهی پیدا می‌کنند. نظیر انسانی که می‌گوید من شماره تلفن فلانی را نمی‌دانم، ولی دفترچه راهنمایی

۱. سوره هود، آیه ۴۹.

دارد که می‌تواند با مراجعه به آن همه شماره‌ها را بگوید.

ه) آگاهی از غیب همه‌جا نشانه کمال نیست، بلکه گاهی نقص است. مثلاً شبی که حضرت علی علیه السلام در جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیدند، اگر علم داشتند که مورد خطر قرار نمی‌گیرند، کمالی برای آن حضرت محسوب نمی‌شد، زیرا در این صورت همه حاضر بودند جای آن حضرت بخوابند؛ در اینجا کمال به ندانستن است. (و) خدا علم غیبی را که توقع سود و زیان در آن است به آنان مرحمت نمی‌کند؛ نظیر همین آیه مورد بحث، ولی در مواردی که هدف از علم غیب، ارشاد و هدایت مردم باشد، خداوند آنان را آگاه می‌سازد، همان‌گونه که عیسی علیه السلام به یاران خود فرمود: من می‌توانم بگویم که شما مردم در خانه خود نیز چه چیزی را ذخیره کرده‌اید: ﴿وَمَا تَذْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾.

اهل مکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: اگر با خدا ارتباط داری، چرا از گرانی و ارزانی اجناس در آینده باخبر نمی‌شوی تا بتوانی سود و منفعتی به دست آوری و آنچه به زیان شماست کنار بگذاری؟ در اینجا آیه ۱۸۸ سوره اعراف نازل شد:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ بگو: من مالک هیچ سود و زبانی برای خودم نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر هر چه خدا بخواهد) و اگر غیب می‌دانستم، منافع زیادی برای خودم فراهم

می‌کردم و هرگز به من زبانی نمی‌رسید. من جز هشدار دهنده و بشارت دهنده برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستم. ﴿

۹. انتظار

یکی از مباحث مهم مهدویت، بحث انتظار است که از نمونه‌های قرآنی آن انتظار حضرت یعقوب در دوران غیبت و غربت و فراق حضرت یوسف است. او در فراق یوسف آن قدر گریست که چشم‌هایش را از دست داد:

﴿وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ

مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾ یعقوب از فرزندان روی گرداند و

گفت: ای دریا بر یوسف، پس اندوه خود را فرومی‌خورد (تا آنکه) دو چشمش از اندوه سفید (و نابینا) شد. ﴿

انتظار حضرت یعقوب، واقعاً حقیقی و مثبت بود؛ اما قرآن از انتظار منفی هم‌سخن به میان آورده است، مانند انتظار یهودیان نسبت به آمدن پیامبر ﷺ.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ

فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۱ (یهود، نصاری

و... کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده‌ایم او (پیامبر

اسلام) را همچون پسران خود می‌شناسند، و همانا گروهی از

آنان با آنکه حق را می‌دانند، کتمان می‌کنند. ﴿

۱. سوره یوسف، آیه ۸۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۶.

در قرآن چندین مرتبه این واقعیت بازگو شده که اهل کتاب به خاطر بشارت تورات و انجیل به ظهور و بعثت پیامبر اسلام، در انتظار او بودند و ویژگی‌های پیامبر چنان به آنها توضیح داده شده بود که همچون فرزندان خویش به او شناخت پیدا کرده بودند، ولی بالاین همه، گروهی از آنان حقیقت را کتمان می‌کردند.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ؛^۱ مُحَمَّد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنان را در حال رکوع و سجود می‌بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات و انجیل است﴾.

این آیه نشان می‌دهد که آنها نه تنها از پیامبر، بلکه از جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و یارانش نیز خبر داشتند. قرآن برای شناخت دقیق اهل کتاب از پیامبر، آن را به شناخت پدر از پسر تشبیه می‌کند که روشن‌ترین شناخت‌هاست، زیرا این شناخت:

از ابتدای تولد و حتی قبل از آن شکل می‌گیرد؛

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

شناخت چیزی است که انتظار به همراه دارد؛
و در نهایت شناختی است که در آن شک راه ندارد.
یهودیان مکه و مدینه با آن شناخت عمیقی که از رسول خدا
داشتند و او را خوب و دقیق می‌شناختند، باز هم او را نپذیرفتند.
«يَعْرِفُونَ ... لَيَكْتُمُونَ» کتمان علم، بزرگ‌ترین گناه است. قرآن
درباره کتمان‌کنندگان می‌فرماید:

﴿يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾^۱ خداوند و تمام فرشتگان
و انس و جن و هر باشعوری، برای همیشه آنان را لعنت
و نفرین می‌کند.

بنابراین اگر انتظار واقعی و روحیه حقیقت‌طلبی نباشد، علم
به تنهایی کافی نیست و ای چه بسا موجب کتمان هم بشود.

۱۰. حکومت

امام مهدی حکومتی تشکیل می‌دهد که برکاتش را همگان
درک می‌کنند. در قرآن نمونه‌هایی از حکومت معصوم ذکر شده که
می‌تواند نمادی برای آخرین حکومت برهستی باشد. خداوند به هر
کس که شایسته و لایق باشد، حکومت می‌دهد؛ همان گونه که به
سلیمان، یوسف، طالوت و ذوالقرنین عطا نمود: ﴿تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ
تَشَاءُ﴾^۲

و در میان انبیا، حکومت هیچ پیغمبری مثل حضرت داوود نبود.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۶.

حضرت سلیمان هم وارث داوود بود: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ﴾.^۱ آن حضرت تنها پیغمبری بود که بالاترین حکومت را به دست گرفت. خداوند متعال می‌فرماید: به داوود گفتیم، حکومت کره زمین را داری، اما در کتابت نوشته‌ایم خیلی به این حکومت تکیه نکن، اصلش (آن وارثش) بعداً خواهد آمد: «عِبَادِي الصَّالِحُونَ».^۲ یعنی به حضرت داوود گفتیم فکر نکن تو آخر خط هستی، فکر نکن بالاتراز حکومت تو، حکومتی نیست؛ بااینکه حکومت کره زمین را داری، اما حکومت واقعی دوره آخرالزمان است. حضرت عیسی (پیغمبر اولوالعزم)، به نوه نوه نوه نوه پیغمبر ما، حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. این مکتب ما است.

۱۱. امدادهای غیبی

قطعاً ما در ظهور و دوران حکومت امام مهدی شاهد نصرت الهی و امداد غیبی هستیم. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: القائم منصور بالرعب، موبد بالنصر؛^۳ قائم ما (آل محمد) با ترس در دل دشمنان پیروز و با نصرت (حق) تایید می‌شود.

نمونه‌های قرآنی در این رابطه عبارتند از:

۱. ﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاحِبِهِمْ وَقَدْ فِ قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ

۱. سوره نمل، آیه ۱۶.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۹۱.

تَأْسِرُونَ فَرِيقًا^۱؛ و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می‌کردند، از برج و قلعه‌های مرتفعشان پایین کشید و در دل‌های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید ﴿۱﴾.

۲. ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوًى الظَّالِمِينَ﴾^۲؛ به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک کرده‌اند که بر (حقانیت) آن (خداوند) دلیلی نازل نکرده است و جایگاه آنان آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران ﴿۲﴾.

۱۲. رجعت

بازگشت برخی به این دنیا در حکومت امام مهدی امری مسلم و غیرقابل تردید است. این مسئله در قرآن شبیه و نظیر هم دارد؛ مانند جریان گاو بنی اسرائیل، زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی و زنده شدن حضرت عَزِیر که صدسال مرد و دوباره زنده شد. خداوند در همین دنیا بارها مردگان را زنده کرده است. نمونه‌ای از این حقیقت آیه ۲۴۳ سوره بقره است:

﴿لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

۱. سوره احزاب، آیه ۲۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ؛ آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند، درحالی که هزاران نفر بودند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید (و آنها مردند)، سپس آنان را زنده کرد (تا درس عبرتی برای آیندگان باشند؟) همانا خداوند نسبت به مردم احسان می‌کند، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گذارند ﴿۱﴾.

در شأن نزول این آیه آمده است: در یکی از شهرهای شام که حدود هفتاد هزار خانوار جمعیت داشت، بیماری طاعون پیدا شد و با سرعتی عجیب مردم را یکی پس از دیگری از بین می‌برد. در این میان عده‌ای از مردم^۱ که توانایی و امکانات کوچ داشتند، به امید اینکه از مرگ نجات پیدا کنند از شهر خارج شدند؛ پروردگار، آنها را در همان بیابان به همان بیماری نابود ساخت.

از برخی روایات استفاده می‌شود که اصل بیماری مزبور در آن شهر، به عنوان مجازات بود، زیرا وقتی رهبر و پیشوای آنان از آنها خواست که خود را برای مبارزه و جهاد آماده کرده و از شهر خارج شوند، آنها به بهانه اینکه در منطقه جنگی مرض طاعون شایع است، از رفتن به میدان جنگ خودداری کردند و خداوند آنها را به همان چیزی که بهانه فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت. در برخی تفاسیر و روایات^۲ آمده است: وقتی حزقیل نبی (یکی از

۱. به گفته صاحب تفسیر تبیان (ج ۲، ص ۲۸۲) تعدادشان از ده هزار بیشتر بوده است، زیرا عرب به بیش از ده هزار «الوف» و به کمتر از آن «آلاف» می‌گوید.

۲. کافی، ج ۸، ص ۱۹۸.

پیامبران بنی اسرائیل) از آنجا عبور می‌کرد، از خداوند درخواست کرد که آنها را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت کرد و آنها را مجدداً زنده نمود و به زندگی بازگشتند. البته این الطاف الهی، هشدار و درس عبرتی برای آیندگان تاریخ است که انسان بفهمد و شکرگزار خداوند باشد.

صاحب تفسیر المنار، مرگ و حیات در آیه را به شکلی سمبولیک معنا کرده و آن را کنایه از به دست آوردن استقلال و از دست دادن آن دانسته است. صاحب تفسیر المیزان، ضمن انتقاد شدید از این طرز تفکر می‌فرماید: باید به ظاهر آیات معتقد بود و گرنه لازم می‌آید تمام معجزات و امور خارق العاده را توجیه یا تأویل نمائیم.

شیعه، به رجعت و زنده شدن گروهی از افراد قبل از قیامت، اعتقاد دارد و علاوه بر صدها حدیث، از آیاتی همچون این آیه، امکان وقوع آن را استفاده می‌کند.

فصل سوم: قرآن در سیره امام مهدی



درسیره امام مهدی انس بسیار زیادی با قرآن وجود دارد، علاوه بر احادیثی که در این رابطه وجود دارد، استفاده از آیات در کلام و توقیعات ایشان این حقیقت را بر ما واضح می‌سازد. به نمونه‌ای از آن که در سن کودکی از حضرت به یادگار مانده است اشاره می‌کنیم. در مورد جانشین حضرت عسکری علیه السلام بین شیعیان اختلاف پیش آمد؛ عده‌ای گفتند: «یازدهمین امام، در حالی از دنیا رفت که جانشینی نداشت»؛ اما دیگران گفتند: «هرگز چنین نیست، آن حضرت پیش از رحلت خویش، فرزندش را جانشین خود معین و مشخص کرد و ...».

پس از این اختلاف، برای روشن شدن حقیقت و قطع ریشه اختلاف، نامه‌ای پیرامون همین موضوع نگاشتند و به سوی امام مهدی علیه السلام فرستادند. پاسخ آن با خط خود حضرت رسید که نوشته بودند: «... به ما رسیده است که جماعتی در دین خود دچار تردید شده‌اند و در مورد ولایت امر خود به شک و تردید افتاده‌اند؛ این خبر ما را به غصه و اندوه واداشته است. این غم و اندوه ما به جهت شماسست نه برای خود ما، زیرا خداوند با ماست و دیگر نیازی به غیر او نداریم. حق با ماست، هر کس از ما دوری گزیند ما را به وحشت نمی‌اندازد. ما پرورده پروردگار خود هستیم و دیگران پرورده ما

هستند.^۱ شمارا چه شده که در وادی ضلالت و حیرانی سرگردان شده‌اید؟ مگر نشنیده‌اید که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ

مِنْكُمْ﴾؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید، از پیامبر و «اولی الامر» که از شماست، اطاعت کنید.

حضرت در توقیع دیگر در همین ایام^۳ به آیه دوم سوره عنکبوت استدلال می‌فرماید:

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ آیا

مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند.

و از جمله همین توقیعات در پاسخ عریضه محمد بن علی بن هلال کرخی شرف صدور یافته که حضرت می‌فرماید:

ای محمد بن علی! خداوند متعال بالاتر از آن است که به وصف آمده و او را حمد و ثنا گویند. ما خاندان رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و علم به آن مختص ذات پاک اوست؛ چنان‌که در قرآن مجیدش فرموده است: «ای حبیبم! بگو غیب در

۱. «... عَافَانَا اللَّهُ وَإِنَّا كُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِنَّا كُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ إِنَّهُ أَتَاهِيَ إِلَيَّ إِتْبَابَ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّلَكِ وَالْخَيْرَةِ فِي وَلَاؤِهِ أَمْرُهُمْ فَعَمَّمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لِنَا وَنَاءَ فِيكُمْ لَا فِينَا لَأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوجِّسَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا وَنَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا»؛ (غیبت طوسی، ص ۱۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹).

۲. سوره نساء، آیه ۵۹.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۰.

آسمان ها و زمین مختص ذات پاک خداوند است». من و همه آباء و اجداد گرامی ام از اولین - آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرین - محمد و علی و دیگر بزرگواران از ائمه معصومین علیهم السلام تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است، همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است: «کسی که از ذکر و یاد من اعراض کند (روی برگرداند)، معیشت او ضنک و سخت بوده، در قیامت نابینا محشور خواهد شد. او می گوید: خداوند! چرا مرا نابینا محشور کردی درحالی که من بینا بودم؟ خداوند می فرماید: تو آیات ما را تکذیب نمودی؛ ما نیز تو را به دست فراموشی سپردیم».^۱

کسی که انس با قرآن داشته باشد، سخنانش قرآنی است، و فرمایشاتی که از حضرت به ما رسیده است مشحون و مملو از آیات نورانی قرآن کریم است، لذا یکی از سفارش های حضرت در تشریف آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله^۲ تأکید بر تلاوت قرآن شریف

۱. یا محمد بن علی، تعالی الله و جل عما یصفون، سبحانه و بحمده، لیس نحن شرکاء فی علمه و لا فی قدرته بل لا یعلم الغیب غیره کما قال فی محکم کتابه تبارک اسماءه ﴿قُلْ لَا یَعْلَمُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَیْبُ إِلَّا اللَّهُ﴾؛ (سوره نمل، آیه ۶۵) و انا و جمیع آبائی من الاولین، آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیرهم من النبیین و من آخرین محمد رسول الله و علی بن ابی طالب و غیرهم ممن مضی من الائمة صلوات الله علیهم اجمعین الی مبلغ ایامی و منتهی عصری، عبید الله عزوجل. یقول الله عزوجل ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِیْ فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکًا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَعْمًی * وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِیْ فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکًا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَعْمًی * قَالَ کَذَلِکَ أَتَتْکَ آيَاتُنَا فَنَسِیْتُهَا وَ کَذَلِکَ الْیَوْمَ تُنْزَسِی﴾؛ (سوره طه، آیات ۱۲۴-۱۲۶).

۲. عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، صص ۱۴۶ و ۱۴۸.

است. نیز در تشریف که شیخ محمدحسن مازندرانی حائری خدمت حضرت داشتند، بدو فرمود: بر تو باد به مواظبت بر قرائت قرآن.^۱ سیره حضرت، انس با قرآن است؛ نمونه‌های آن عبارت است از:

۱. او تلاوت کننده قرآن است

در زیارت آل یس خطاب به حضرتش عرض می‌نماییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَاتِهِ.

آن حضرت را به حق می‌توان تنها تلاوت کننده واقعی و حقیقی این کتاب الهی دانست. او با غیر از قرآن انسی ندارد و در احادیث وارد شده که حضرت هنگام ولادت و بعد از ولادت قرآن می‌خواندند. حکیمه گوید: امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: فرزندم را نزد من آور. من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگو! نوزاد پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم و پدران بزرگوارشان علیهم السلام آیات پنج و شش سوره قصص را تلاوت فرمود:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۲ و می‌خواستیم بر کسانی که در زمین به زبونی کشیده شده‌اند متّ نهیم و آنها را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارثان [زمین] کنیم و در زمین قدرتشان دهیم و به فرعون، هامان و سپاهشان چیزی را که از آن حذر داشتند نشان دهیم.

۱. العبقری الحسان، ج ۲، بساط دوم، عبقریه دهم، مسکة ۶۳، ص ۵۵۹.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۳۶، ح ۲۰۴.

انس حضرت باقرآن زیاد است. نقل است که سید بحر العلوم رحمته الله در حرم باصفای امیرالمؤمنین علیه السلام این بیت را زمزمه می نمود:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن
به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

وقتی علتش را پرسیدند، گفت: چون وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام شدم، دیدم حضرت حجت قله روضی در بالای سر مشغول تلاوت قرآن هستند. چون صدای حضرت را شنیدم این شعر را زمزمه نمودم.^۱

۲. او مفسر قرآن کریم است

مفسر واقعی قرآن کسی است که معانی واقعی آن را بداند و امام زمان چون باقرآن جدایی و اختلاف ندارند و از علم حضوری بهره مند می باشند از همه بیشتر به باطن قرآن راه دارند و در این عصر و زمان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مفسر حقیقی آیات الهی است، لذا در زیارت او می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَاتِهِ»^۲ درود بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر^۳ و مبیین آن.

محدث جلیل، شیخ یوسف بحرانی رحمته الله در حالات شیخ ابراهیم قطیفی (معاصر محقق ثانی) نقل نموده است:

حضرت بقیة الله قله روضی به منزل شیخ ابراهیم وارد شدند و از

۱. امام زمان و سید البحر العلوم، ص ۱۷۹.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳، زیارت آل یس.

۳. الزائد، ج ۱، ص ۴۵۹. مترجم: شارح، مفسر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۶۰۸ یکی از معانی مترجم را مفسر آورده است. ناصر خسرو می گوید: «علی را ترجمان وحی پندار - هم آن معنی هم این معنی در او دار» و مجمع البحرین می گوید: ترجمان و هوالمترجم المفسر لسان.

او سؤال کردند: کدام آیه از آیات قرآنی درباره موعظه از همه مهم تر است؟ شیخ عرض کرد: آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نخواهد بود! آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می آید؟ هر کاری که می خواهید بکنید؛ او به آنچه انجام می دهید بیناست.

حضرت فرمودند: راست گفתי ای شیخ! آنگاه از نزد او خارج شدند. شیخ از اهل بیت خود پرسید: فلانی رفت یا هنوز نرفته است؟ گفتند: ماکسی را ندیدیم که داخل شده باشد و کسی را هم ندیده ایم که خارج شود.^۲

۳. او زنده کننده و تجدیدکننده قرآن است

در عصر غیبت و دوران آخرالزمان - که قرآن و تعالیم عالیه آن تعطیل شده است -^۳ او می آید و قرآن و احکامش را حیات نو می بخشد، لذا در دعای عهد درخواست ظهور امام مهدی را داریم تا بیاورد و قرآن را زنده کند: «وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ» و تجدیدکننده احکامی از قرآن مجید است که تعطیل شده است.

یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف احیاء دین

۱. سوره فصلت، آیه ۴۰.

۲. العتق الحسان، ج ۲، ص ۷۳؛ نجم الناقب، ص ۶۵۲.

۳. امام صادق علیه السلام: «وَعُطِّلَ الْكِتَابُ وَأَحْكَامُهُ» (کافی، ج ۸، ص ۳۹).

و احکام قرآن است؛ زیرا می‌دانیم آن حضرت هنگامی ظهور خواهد کرد که از قرآن جزاثری و از اسلام جزاسمی در میان مسلمانان باقی نمانده است. وقتی که به دستورات دین در جامعه عمل نشود و قوانین آن پیاده نگردد، می‌توان گفت که دین در آن جامعه مرده است، لذا امام علی درباره امام زمان این تعبیر را فرموده است که: «قرآن و سنت مرده را زنده می‌کند»^۱.

اینکه امام زمان علیه السلام قرآن را زنده می‌کند، به این معنی است که تعالیم اسلام و قانون‌های ترک شده قرآن را به جریان می‌اندازد و آن را در جامعه پیاده می‌کند. به عبارت دیگر آن قدر وصله‌ها، پینه‌ها و بدعت‌ها به دین اسلام بسته شده که حقیقت آن زیر حجاب‌های اوهام پنهان گشته و غبار کهنگی بر چهره‌اش نشسته و آن را فرسوده و ناتوان ساخته و چهره بدی را به نمایش گذاشته است. امروزه نمونه‌های بارز آن فتواهای مفتیان وهابی و داعش است. پس عمل آن حضرت در بیان و تبلیغ دین و قرآن دو صورت پیدامی‌کند:

۱. از بین بردن بدعت‌ها و احیای سنت‌ها و دعوت جدید به اسلام و قرآن؛
۲. اظهار حقایق و تأویلات و تنزیلات قرآن که تا آن زمان بیان نشده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ
وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ...؛ هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه و
کتاب تازه، روش تازه و داوری تازه‌ای با خود می‌آورد...^۱

پیامبر اکرم ﷺ درباره سیره و روش کلی او فرمودند:

قائم از فرزندان من، هم‌نام و هم‌کنیه من است، خوی
او خوی من و سیره او، سیره من می‌باشد. مردم را بر ملت
و دین من وادار می‌نماید و آنان را به سوی کتاب خدا
(قرآن) فرامی‌خواند.^۲

در احادیث فراوانی آمده است که آن حضرت، اسلام را از نو
تجدید خواهد کرد و سنت‌های مرده و فراموش شده را از نو بازسازی
خواهد نمود. از این روایات استفاده می‌شود، امام مهدی یک انقلاب
وسیع دینی و فرهنگی انجام خواهد داد و تمام بدعت‌ها و انحرافات
را که به مرور زمان پدید آمده است از بین خواهد برد و اسلام را از نو
زنده خواهد کرد و تخریب بعضی از مراکز دینی هم طبق همین
اصل انجام خواهد گرفت؛ همان گونه که مسجد ضرار توسط پیامبر
تخریب گردید.

۴. او تلقین کننده قرآن است

امام زمان به قرآن عمل می‌کند^۳ و مردم را نیز به همین امر در

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۳. امام باقر (ع): «وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَّبِعَ اللَّهُ مَنَّا رَجُلًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ...»؛

(قرب الاستناد، ص ۳۵۰؛ بشارت الاسلام، ص ۲۴۶).

عصر ظهور می خواند.^۱ احکام قرآن را اعلان و تعلیم می فرماید، لذا عرضه می داریم:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، ... وَ مُعْلِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ؛^۲ سلام تمام و کامل خداوند بر حجت او که اعلان کننده و تعلیم دهنده احکام قرآن است.

تلقین خیلی اثر دارد و با تلقین می شود خیلی از کارها را انجام داد، لذا قرآن می فرماید: ﴿وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.^۳ خداوند متعال به مجاهدینی که می خواهند بروند در جنگ شمشیر بزنند در يك یا دو آیه پشت سرهم ده دستور می دهد. در یکی از دستورها می فرماید: «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ»؛ الله اکبر زیاد بگوئید. اینجا بحث تلقین است و امام مهدی هم تأکید و تلقین فراوان بر قرآن دارند و در عصر ظهور همگان آن را دریافت می کنند.

۱. امام باقر (علیه السلام): «فیدعوا الناس... إِلَى كِتَابِ اللَّهِ...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).

۲. مزار این مشهدی، ص ۶۷۱؛ مفاتیح الجنان، دعای استغاثه، ص ۱۹۵.

۳. سوره جمعه، آیه ۱۰.

فصل چهارم: قرآن در عصر ظهور



دوران ظهور، ایام پایان یافتن مہجوریت قرآن و مظلومیت اہل بیت است. با بررسی روایات عصر ظهور درمی یابیم همگان عظمت قرآن و اہل بیت را می فهمند و سخنان حضرت ہمراہ با آیات است.^۱ نیز در آن ایام تأکید بر قرآن است و کلاس های قرآن جایگاہ خاصی دارد کہ موجب احیای قرآن و احکامش می شود. امام علی علیہ السلام در ارتباط با احیای قرآن توسط امام مهدی عجل اللہ تعالی فرجه العزیز و نقشی کہ این احیای در حکومت قرآنی جامعہ عصر ظهور دارد، فرمودہ اند:

يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى؛
 هوای نفس را بہ ہدایت برمی گرداند آن زمان کہ مردم
 مسیر ہدایت را بہ ہوا برگردانند.
 وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ و
 رأی مردم را تابع قرآن می کند آن وقتی کہ قرآن را پیرو
 رأی خود کردہ اند.^۲

۱. امام صادق از پدرش حضرت باقر علیہ السلام نقل می کند کہ فرمودند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیہ السلام قَالَ: قَفَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ ہرگاہ قائم ما علیہ السلام قیام نماید برای مردم این آیہ شریفہ را تلاوت می کند: «چون از شما ترسیدم لذا دوری اختیار کردم؛ اما خداوند بزرگ مرا از فرستادگان خویش قرار دادہ و نیز مقام فرمانروایی و حکومت بر جہان هستی را بہ من عطا فرمودہ است» (سورہ شعراء، آیہ ۲۱)؛ «غیبت نعمانی، ص ۱۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱».

۲. نہج البلاغہ، خطبہ ۱۳۸.

فعالیت امام برای احیای قرآن و آوردن آرا، افکار و اندیشه‌ها حول محور قرآن یک فعالیت اساسی است؛ قرآن، حیات خویش را در متن جامعه بازمی‌یابد و همگان منطبق با آن فعالیت‌ها، برنامه‌های خود را تنظیم می‌کنند.

حکومت حضرت مهدی حکومتی بر اساس قرآن است و حضرت انسان‌ها را به تبعیت و عمل به قرآن کریم دعوت می‌نماید. به همین جهت، توجه مردم به قرآن کریم آن‌چنان افزایش پیدا می‌کند که تا قبل از آن در هیچ حکومتی سابقه نداشته است. حکومتی که آیات الهی و تمام خوبی‌ها در آن موج می‌زند.

از خطبه‌های حضرت مهدی در عصر ظهور به خوبی جایگاه قرآن فهمیده می‌شود. در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است که حضرت در اولین خطبه و اعلامیه جهانی خود با استفاده از آیات قرآن صحبت از قرآن می‌کند و می‌فرماید:

... پس ای مردم! من تنها باقیمانده از آدم و یگانه ذخیره نوح پیامبر و خلاصه و برگزیده از ابراهیم و از محمد هستم که درود خداوند بر آن بزرگوار و خاندانش باد. ای مردم! بدانید آن‌کس که بخواهد در قرآن با من مجادله نماید من از همه اولی‌تر به قرآن خداوند هستم و تمام علوم و معارف قرآن و قوانین حیات بخش آن در نزد من است.^۱

۱. «وَالْقَائِمُ يُؤْمِدُ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيَنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ

در خطبه دومی که برای حضرت بقیة الله علیه السلام در روزهای اول ظهور بیان شده باز صحبت از قرآن است؛ حضرت می فرماید:

ای مردم عالم! شما را متذکر و متوجه خداوند متعال می کنم و نیز ایستادنتان را در مقابل خداوند و اینکه او حجّت خود را به وسیله ارسال پیامبران و نزول کتاب های آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به یگانگی یاد کنید و از شرك دوری ورزید و در طاعت و بندگی او و فرمان برداری از پیامبرش کوشا باشید و هر آنچه را قرآن زنده کرده است زنده کنید و آنچه را قرآن نابود و به اصطلاح مرگش را اعلام نموده است، شما نیز آن را بمیرانید و بکوشید یاور هادیان به سوی خیر باشید....^۱

در روایت دیگری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: آقای ما قائم آل محمد پشت به خانه کعبه می زند و می فرماید: ... هر کسی که کتاب های آسمانی را می خواند، پس بشنود تا برای او بخوانم. آنگاه شروع می کند به خواندن صحفی که بر آدم و شیث نازل شده است و

بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... وَمَنْ حَاجَّني فِي التَّيْبِينِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالتَّيْبِينِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَسْئَلُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ - إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْمَعِينَ أَلَا فَمَنْ حَاجَّني فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ ...؛ (غیبت نعمانی، ص ۲۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵).

۱. «... وَأَنْ تُحْبُوا مَا أَحَبَّيَ الْقُرْآنَ، وَتُؤْمِنُوا مَا أَمَاتَ، وَتَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَى الْهَدَى وَوَزَارًا عَلَى التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ذُنَّا فَنَأْوِيهَا وَزَوَالُهَا، وَادَّخْتُ بِالْوَدَاعِ، وَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ ...» (الملاحم والفتن، سید بن طاووس، ص ۱۳۷).

پیروان آدم و شیث اقرار می‌کنند و می‌گویند به خدا قسم این همان صحفی است که بر آدم و شیث نازل شده و این آقا چیزهایی به ما نشان داد که قبلاً نمی‌دانستیم و بر ما مخفی بود و به علاوه، کوچک‌ترین حرفی از آنها نیفتاده و تحریف هم نشده است.

سپس شروع می‌کند به خواندن صحف نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل، پس اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند به خدا قسم این است تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل. به درستی که بیش از آنچه ما از این کتاب‌ها خوانده بودیم برای ما قرائت فرمودند.

آنگاه شروع به خواندن قرآن مجید می‌فرماید، پس پیروان قرآن می‌گویند به خدا قسم این همان قرآنی است که خداوند بر پیامبرش نازل فرموده و حرفی از آن نیفتاده و همچنین تحریف و تبدیلی در آن صورت نگرفته است.^۱

نیز از جناب زید بن علی نقل شده است که فرمودند:

زمانی که قائم آل محمد قیام کنند به مردم چنین

۱. «...أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهِيَ أَتَا ذَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجَبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي فَأَنِّي أَنْتَبَهُمْ بِمَا نَبَّيْتُكُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تَنْبِئُوا بِهِ وَمَنْ كَانَ يَقْرَأُ الْكُتُبَ وَالصُّحُفَ فَلْيَسْمَعْ مِنِّي ثُمَّ يَتَبَدَّلْ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَشَيْثٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَقُولُ أَمَنَهُ آدَمَ وَشَيْثُ هَبْهُ اللَّهُ هَذِهِ وَاللَّهُ هِيَ الصُّحُفُ حَقًّا وَلَقَدْ أَرَانَا مَا لَمْ نَكُنْ نَعْلَمُهُ فِيهَا وَمَا كَانَ خَفِيَ عَلَيْنَا وَمَا كَانَ أَشَقِطَ مِنْهَا وَبَدَّلَ وَخَرِفَ ثُمَّ يَقْرَأُ صُحُفَ نُوحٍ وَصُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالتَّوْبَةَ وَالزَّبُورَ فَيَقُولُ أَهْلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالتَّوْبَةِ: هَذِهِ وَاللَّهُ صُحُفُ نُوْحٍ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَقًّا وَمَا أَشَقِطَ مِنْهَا وَبَدَّلَ وَخَرِفَ مِنْهَا هَذِهِ وَاللَّهُ التَّوْرَةُ الْجَامِعَةُ وَالتَّوْبَةُ الشَّامَّةُ وَالْإِنْجِيلُ الْكَامِلُ وَإِنَّهَا أَضْعَافُ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا ثُمَّ يَتْلُو الْقُرْآنَ فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ: هَذَا وَاللَّهُ الْقُرْآنُ حَقًّا الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ...» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹).

می‌فرمایند: ای مردم! ما همان خاندانی هستیم که خداوند در قرآن کریمش به شما وعده فرموده است: «وقتی حکومت به ایشان داده می‌شود آنان در برپاداشتن نماز و دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر جدیت خواهند نمود و البته عاقبت همه امور مخصوص به ذات پاک خداوند است».^۱

در حکومتی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس قرآن کریم بنا می‌کند؛ همه قوانین، نظامات، برنامه‌ها و فعالیت‌ها حول محور قرآن می‌باشد. برای تحقق این مهم، امام به احیای قرآن و هدایت آرا و اندیشه‌ها به سمت قرآن می‌پردازد.

از آنجاکه قرآن محور فعالیت‌ها و برنامه‌های دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، آموزش قرآن و عمل به قرآن به عنوان یک فرهنگ زنده و پویا در جامعه جریان پیدا می‌کند. امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده اند:

إذا قام القائم من آل محمد عليه السلام ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن على ما أنزل الله عز وجل؛ آنگاه که مهدی آل محمد ظهور می‌کند، خیمه‌هایی جهت آموزش و فراگیری قرآن برای مردم برپا می‌دارد.^۲

با توجه به قید (علی ما انزل الله) معلوم می‌شود آنچه به عنوان

۱. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمْ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَنُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳).

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷؛ سفینه البحار، ماده عجم؛ كشف الغممه، ج ۲، ص ۴۶۶.

آموزش قرآن به مردم ارائه می‌گردد تفسیر ناب قرآن است که امام حقایق و باطن های قرآنی را برای مردم مشخص می‌سازد و راه عمل به قرآن را برای همگان هموار می‌سازد. با توجه به قید (علی ما انزل الله) معلوم می‌شود آنچه به عنوان آموزش قرآن به مردم ارائه می‌گردد تفسیر ناب قرآن است که امام حقایق و باطن های قرآنی را برای مردم مشخص می‌سازد و راه عمل به قرآن را برای همگان هموار می‌سازد. در احادیث فراوانی از تاسیس پایگاه‌های آموزش قرآن در مسجد کوفه بحث شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ صَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام الْفَسَاطِيطُ فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ، ثُمَّ يُخْرِجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْنَفُ، أَمْرٌ جَدِيدٌ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ؛ چگونه خواهید بود هنگامی که اصحاب قائم علیه السلام در مسجد کوفه خیمه زده، (قرآن را) به شیوه جدید عرضه می‌دارند، شیوه‌ای تازه که (آموزش و یا پذیرش آن) بر عرب دشوار است.

منظور از شیوه جدید، آموزش قرآن به ترتیب نزول آیات است؛ چنان‌که در احادیث دیگر به آن اشاره شده است.

امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ صَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛^۱ گویی شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه خیمه زده، به مردم قرآن را آن گونه که نازل شده آموزش می دهند.

این فرهنگ قرآنی سبب می شود قشر آسیب پذیر جامعه؛ یعنی بانوان و زنان در خانه می نشینند و قرآن را باز می کنند و از متن قرآن، حقایق دین را استخراج می کنند و می فهمند.

حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام در ضمن توصیف وضعیت دوران حکومت حضرت مهدی می فرماید:

در زمان امام مهدی علیه السلام به شما حکمت خواهند داد؛ چندان که زن در خانه اش به کتاب خدا و سنت پیامبرش قضاوت خواهد کرد.^۲

آن روز زمان نشستن بر سر سفره قرآن و بهره جستن از حقایقش می باشد و امام علیه السلام به عنوان مفسر حقیقی قرآن و وحی تمامی اسرار و ناگفته های قرآن را تبیین خواهد نمود و از یک نگاه می توان گفت روز ظهور امام مهدی علیه السلام روز تأویل قرآن است.

علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ﴾^۳ آیا آنها انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آنها

۱. و در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود: «كَانَ بِالْعَجَمِ فَسَاطِطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛ گویی غیر عربها را با چشم خود می بینم که در مسجد کوفه خیمه زده قرآن را آن گونه که نازل شده، به مردمان آموزش می دهند؛» (غیبت نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴).

۲. «وَتُؤْتَوْنَ الْحُكْمَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَشِعْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ؛» (غیبت نعمانی، ص ۲۳۹).

۳. سوره اعراف، آیه ۵۳.

فرا رسد ﴿ می نویسد: این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام و روز قیامت است.^۱

بخش دیگر جایگاه قرآن در عصر ظهور این است که حضرت به هیچ گونه اجازه نمی دهد تا برخی از دشمنان (مانند وهابی ها) قرآن را وسیله ای برای سودجویی قرار داده و سوء استفاده کنند.
امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور می کند، (گروهی) بر او خروج می کنند و با تأویل کردن قرآن به دفاع از آن می پردازند و با این بهانه با حضرت به جنگ برمی خیزند.^۲

فضیل بن یسار می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام می کند، از جهل و نادانی مردم بیش از آن چه که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم دید، می بیند. گوید: عرض کردم: چگونه؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی مبعوث شد که آنان سنگ و چوب تراشیده شده را پرستش می کردند، اما زمانی که قائم ما قیام می کند مردم به سویش می آیند و همه آنها کتاب خدا را در برابر او تأویل می کنند و با آن حضرت به احتجاج و لجاجت می پردازند. آنگاه فرمود: آگاه باشید، به خدا قسم عدل قائم (چنان گسترش می یابد که) مانند سرما و گرما به

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲. همان.

داخل خانه‌های مردم نفوذ می‌کند.^۱

خاتمه: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت

صاحب مکیال المکارم یکی از وظایف منتظران را هدیه کردن قرائت قرآن به امام زمان بیان می‌کند و می‌نویسد:

بر فضیلت و استحباب آن دلالت دارد روایتی را که مرحوم کلینی در کافی آورده است: علی بن مغیره می‌گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام گفتم پدرم از جد شما درباره اینکه در هر شب یک ختم قرآن بخواند پرسیده بود و ایشان گفته بودند: در هر شب یک ختم قرآن؟ پدرم گفته بود: منظورم شبهای ماه رمضان است. باز ایشان گفته بودند: در شبهای رمضان؟ پدرم گفته بود: آری. و ایشان فرموده بودند: هر چه بتوانی بخوان و معمولاً پدرم در ماه رمضان چهل بار قرآن را ختم می‌کرد.

من هم پس از مرگ پدرم، به همین اندازه، گاه کمتر و گاه بیشتر، قرآن می‌خوانم؛ بستگی به فراغت و آمادگی یا خستگی من دارد و چون روز عید فطر می‌رسد ثواب یک ختم را به پیامبر و یکی را به امام علی و یکی را

۱. «إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ إِسْتَقْبَلَ مِنَ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ جَهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ. قُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْأَعْبَادَ وَالْخُسْبَ الْمُتَخَوِّتَةَ وَإِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَخْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ؛ ثُمَّ قَالَ: إِنَّا وَاللَّهِ لَيُدْجَلْنَ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْخُرُّ وَالْقَرْهُ» (همان، ص ۲۹۷: نهج الهدى، ج ۳، ص ۴۸۲).

به حضرت فاطمه هدیه می‌کنم و برای هریک از ائمه هدیه می‌کنم تا به شما می‌رسم؛ یعنی برای هریک، ثواب یک ختم قرآن و تاکنون هم این کار را ادامه می‌دهم. در مقابل این چه پاداشی برای من خواهد بود؟ فرمود: پاداش تو این است که روز قیامت با آنان خواهی بود. من گفتم: الله اکبر! و با تعجب پرسیدم: چنین پاداشی برای من است؟ سه بار فرمود: آری!

در رابطه با این روایت نکته مهم این است که علی بن مغیره، ختم قرآن را به امام زمان خویش موسی بن جعفر علیه السلام هدیه می‌کند که مورد تأیید و تقریر امام علیه السلام قرار گرفت، لذا خواندن قرآن و اهدای ثواب آن به وجود مقدس امام زمان رحمه الله تعالی یکی از آداب منتظران در زمان غیبت ذکر شده است و هدیه کردن ثواب ختم قرآن به امام زمان علیه السلام (و نیز سایر ائمه علیهم السلام) موجب محشور شدن انسان با ایشان در قیامت می‌شود، زیرا از تصدیق و تحسین کردن امام زمانِ راوی (موسی بن جعفر علیه السلام) از این عمل، استحباب این هدیه روشن می‌شود.^۱

بنابراین هدیه نمودن قرائت قرآن به امام مهدی دارای آثار و برکاتی است و هیچگاه معنایش این نیست که حضرت محتاج هدیه ما باشد، بلکه ما محتاج عنایت آن بزرگوار هستیم. او

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۲۲.

۲. مکمل المکارم، ج ۲، ص ۳۸۲.

کوچکترین نیازی به هدیه ما ندارد. اگر ما هدیه بدهیم او حتما بهتر از آن را به ما احسان می‌نماید: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۱.

«احسان» دو معنا دارد: یکی کار نیک و دیگری نیکی به دیگران. مراد از احسان اول در آیه، کار نیک و مراد از احسان دوم، نیکی به غیر است.^۲

در زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) کنیزی با دسته گلی خوشبو نزد امام آمد و شاخه گلی را به آن حضرت هدیه نمود. امام در مقابل این کار پاداش بزرگی به وی بخشید. سپس در مقابل نگاه متعجب اطرافیان خود فرمود: خداوند به ما دستور داده و فرموده است: هر گاه کسی شما را ستایش کند، شما باید در مقابل به ستایشی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید.^۳ در واقع ائمه معصومین (علیهم السلام) از این هدیه‌ها بی‌نیازند، همانگونه که دریا از آنچه ابرها بر آن می‌بارند بی‌نیاز است. ولی ما بی‌نیاز نیستیم از اینکه به ایشان هدیه‌ای تقدیم نماییم. در قرآن، اصل مقابله به مثل بارها تکرار شده است:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^۴ یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را.

﴿إِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا﴾^۵ اگر برگردید ما نیز برمی‌گردیم.

۱. سوره الرحمن، آیه ۶۰.

۲. تفسیر راهنما، ذیل آیه شریف.

۳. سوره نساء، آیه ۸۶.

۴. سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۵. سوره اسراء، آیه ۸.

﴿فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾؛^۱ به همان مقدار که لطمه زدند، به آنان لطمه بزنید.

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ﴾؛^۲ به همان مقدار مسئولیت که بر عهده زن هست، برای او حق و حقوق است.

﴿إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ﴾؛^۳ اگر قصد انتقام از دشمن دارید، به همان مقدار که ضرر دیدید، ضربه وارد کنید.

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾؛^۴ اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند.

﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ﴾؛^۵ اگر به اراده خود کج روند، خدا آنان را در کجی رها می‌کند.

حضرت علی ع از رسول خدا ص نقل می‌کند که خداوند فرمود: آیا پاداش کسی که به او نعمت توحید داده‌ام غیر از بهشت است.^۶
آیا در برابر این همه احسانی که امام مهدی به ما نموده، جز نیکوکاری از سوی ما مسئله‌ای دیگر سزاوار است؟

مسئله دیگر سوره‌هایی است که قرائت آن از جهاتی تاکید شده است؛ نظیر روایاتی که تلاوت سوره اسراء را در شب‌های جمعه

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۴.

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۸.

۳. سوره نحل، آیه ۱۲۶.

۴. سوره محمد، آیه ۷.

۵. سوره صف، آیه ۵.

۶. «هل جزاء من أنعمت عليه بالتوحيد إلا الجنة»: (امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۸۲).

سفارش نموده و از جمله فوائد آن، درک نمودن حضرت و قرار گرفتن در زمره یاران امام زمان علیه السلام دانسته شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَا مِنْ عَبْدٍ قَرَأَ سُورَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ علیه السلام وَ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِهِ؛^۱ هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه تلاوت کند نمیرد تا زمان قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشريف را درک نماید و از یاران او باشد.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ وَ إِنْ مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ؛ کسی که مسبحات^۲ را بخواند از دنیا نمی رود تا حضرت مهدی علیه السلام را درک کند، و اگر قبل از دنیا برود در جهان دیگر در همسایگی رسول خدا خواهد بود.^۳

راه نزدیک شدن به امام زمان از طریق قرآن است که انشاءالله خداوند متعال به همه ما توفیق این مهم را عطا فرماید. گاهی مواقع از من می پرسند: چگونه می شود امام زمان را دید؟ من هم می گویم: دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف توفیق است؛ ولی مرحله اول معرفت، سپس مودت و در پایان اطاعت است. دیدن امام مثل زعفران روی

۱. ثواب الاعمال، ص ۹۵: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲. (مسبحات سوره هائی است که با سبح الله یا یسبح الله آغاز می شود و آن پنج سوره است: حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۹۴.

برنج است؛ زغفران جزئی از غذا نیست، ولی اگر باشد، خوب است. اما نکته‌ای که در اینجا لازم است یادآور شوم این است: شمایی که علاقمند ملاقات امام مهدی هستید، چه قدر قرآن را می‌بینید؟ کسی که مشتاق ملاقات با امام عصر است نباید نسبت به عدل قرآن بی‌توجه باشد.

خدایا به حق قرآن ما را از آشنایان به قرآن و از متخلّقی‌ن به اخلاق قرآن و از هواداران قرآن، و از هواداران شریک قرآن قرار بده.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابطحی اصفهانی، سید محمدباقر، *الصحیفه السجادیه الجامعه*، بیروت، دارصفوة، ۱۴۱۳ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *ثواب الاعمال وعقاب الاعمال*، چ ۲، قم، شریف رضی، ۱۴۰۶ق.
- _____، *عیون اخبار الرضا*، تهران، نشرجهان، ۱۳۷۸ش.
۱. _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه پهلوان، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، چ ۲، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۳۰ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، *جمال الاسبوع*، قم، شریف رضی، ۱۴۲۸ق.
۵. _____، *الملاحم والفتن*، قم، شریف رضی، ۱۹۷۸م.
۶. اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، چ ۲، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۵م.
۷. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، قم، انصاریان، ۱۳۸۳ش.
۸. توپسرکانی، محمدنبی، *لثالی الاخبار*، قم، مکتبه علامه، ۱۴۱۵ق.
۹. جبران مسعود، ناشر، *الرئذ معجم لغوی عصری*، بیروت، دارالعلم

- للملایین، ۱۴۲۶ق.
۱۰. حائری یزدی، علی، *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*، قم، شریف رضی، ۱۴۲۵ق.
 ۱۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *نور الثقلین*، مصحح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، علمیه، ۱۳۸۳ش.
 ۱۲. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ش.
 ۱۳. رضی، سید ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، چ ۵، قم، موسسه امیرالمومنین، ۱۳۷۹ش.
 ۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۹ق.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
 ۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرين*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
 ۱۷. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
 ۱۸. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
 ۱۹. _____، *کتاب الغیبه*، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
 ۲۰. عاملی، محمد بن الحسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۲۱ق.

۲۱. علی محمد دخیل، *الامام المهدی علیه السلام*، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، مکتبه العلمیه، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ ش.
۲۴. قرائتی، محسن، *اصول عقاید*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. ———، *مفاتیح الجنان*، قم، سبط النبی، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، چ ۳، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق*، تحقیق حسین درگاهی، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن الحسن بن صالح، *بلد الامین*، قم، شریف رضی، ۱۴۲۳ ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. کورانی، علی و دیگران، *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، موسسه معارف اسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۳۲. مجتهدی سیستانی، مرتضی، *صحیفه مهدویه*، قم، دار الثقلین، ۱۳۷۹ ش.

۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة
الاطهار، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم،
موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. مکارم، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۱۳۸۰ ش.
۳۶. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکال المکارم فی فوائد الدعاء
للنائم، مترجم مهدی حائری قزوینی، قم، مسجد جمکران،
۱۳۹۲ ش.
۳۷. مهدی پور، علی اکبر، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)،
تهران، آفاق، ۱۳۷۳ ش.
۳۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری،
تهران، صدوق، ۱۳۷۵ ش.
۳۹. نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، مسجد مقدس جمکران،
۱۳۸۹ ش.
۴۰. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب
الزمان، تحقیق و تصحیح صادق برزگر بفروبی - حسین احمدی
قمی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ ش.
۴۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، تفسیر راهنما، قم، بوستان
کتاب، ۱۳۶۸ ش.